

ایران

• صاحب امتیاز:

خبرگزاری جمهوری اسلامی

• **سرپرست مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران:** احسان صالحی

• سردبیر:

حسام‌الدین برومند

امام حسن عسکری (ع):

شادی کردن نزد غمزه‌ه در ادب به دور است.



سخن‌روز

تحف العقول: ص ۴۸۹

نگاره

فلسطین آزاد



فضای مجازی

اسکورت عجیب یک ستاره نوجوان

ویدیویی از اسکورت نفس باژنی، بازیگر نوجوان و فرزند پژمان باژنی و مستانه مهاجر در پردیس رز مال منتشر شده که در جریان اکران فیلم «کوچه زاپنی‌ها» حضور یافته و مورد توجه کاربران شبکه‌های اجتماعی قرار گرفته است.

گفتنی است، کوچه زاپنی‌ها فیلمی به کارگردانی امیرحسین ترقی، نویسنده‌ی امیرحسین ترقی و علی اصغری و تهیه‌کنندگی علی اکبر ترقی محصول سال ۱۳۹۸ است که اکنون در حال اکران است و این روزها ویدیوها و عکس‌هایی از بازیگران آن در اکران این فیلم سینمایی منتشر شده است. کاربری نوشت: «دیگه اینو ندیده بودم که نفس باژنی دختر پژمان هم محافظ داشته باشه!»

پایتخت ۷، این بار از تاجیکستان

سه سال از پخش آخرین قسمت یکی از پرطرفدارترین سریال‌های تلویزیون «پایتخت» می‌گذرد؛ سریالی که در بحران کرونا تولید و در نوروز ۱۴۰۰ پخش شد؛ حالا خبرهایی درباره ساخت فصل جدید این مجموعه به گوش رسیده است. پیش از این نیز خبرهایی درباره اینکه برخی بازیگران قسمت‌های پیشین در این سری حضور ندارند منتشر و واکنش برانگیز شده بود.

اکنون بعد از مدت‌ها خبر رسید که تیم «پایتخت» در تاجیکستان مشغول فیلمبرداری بخش‌هایی از این سریال هستند تا دوباره پایتخت میهمان تلویزیون شود. هومن حاجی عبداللهی، بازیگر سریال «پایتخت» با انتشار پستی در صفحه شخصی خود با اعلام خبر آغاز کار «پایتخت ۷» نوشت: «شروع پایتخت ۷ به شیرینی رنگینکبه که بچه‌های پشت صحنه درست کردن».

چهره متفاوت مناظرات

پس از واکنش‌های کاربران در نقد طراحی دکور مناظرات انتخاباتی، صداوسیما در حرکتی دکور مناظرات را در دور دوم این برنامه تغییر داد و این تغییرات نیز واکنش‌های مثبت و منفی دیگری را برانگیخت. کاربری نوشت: «اقدام صداوسیما برای اصلاح دکور مناظره خوب و ستودنی بود. البته مناظره کلاً این شکلی نیست.» و کاربر دیگری نوشت: «در دکور مناظره ظاهراً متوجه خطای فاحش در نبود کاور در نحوه نشستن نامزدها شدن و دکور عوض شده و میز گذاشتن.

اما همچنان نحوه نورپردازی برنامه سیاه و ضد جذابیت و ناامیدانه است.» و دیگری با اشاره به شایعات درخصوص هزینه دکور نوشت: «بیشترین انتقادها در این بود که چرا دکور کپی شده از اجلاس داووس بود. نسبت به نور هم انتقاد بود اما برخی دیگر هم نوشته بودند که در دکور برنامه، تصویری از رئیس جمهوری شهید هم باید باشد.»

زاگرس در آتش

طی روزهای گذشته شاهد وقوع آتش‌سوزی‌های گسترده و مهیب در جنگل‌های شهرستان‌های کوهدشت، چگنی، رومشکان و… لرستان بوده‌ایم. این آتش‌سوزی به گفته مدیرکل مدیریت بحران استانداری لرستان بسیار گسترده بوده و خسارت‌های زیادی به منابع طبیعی و جنگل‌های لرستان وارد کرده است. بسیاری از کاربران و علاقه‌مندان به محیط زیست با انتشار پست‌هایی در فضای مجازی به این فاجعه زیست‌محیطی واکنش نشان داده و خواستار تسریع در خاموشی این حریق از مسئولان محلی، استانی و کشوری شدند. اکنون انتشار ویدیوهایی از ضجه حیوانات هراسان از آتش موجی از اندوه را در فضای مجازی برانگیخت.

کاربری نوشت: «یک هفته است که جنگل‌های زاگرس در آتش می‌سوزد، توان دیدن ویدیوی ضجه حیوانات منطقه رو ندارم، امیدوارم هرچه زودتر باز با کمک‌های مردمی کوچک‌ترین کاری که می‌شود را انجام بدیم.» و کاربر دیگری از آتش‌سوزی در جنگل‌های استان کردستان نوشت. رضا ساکی، فعال محیط زیست نیز با انتشار ویدیویی در اینستاگرام از صداگذاری صدای حیوانات بر ویدیوهای منتشره گفت و به اهمیت زاگرس و این تراژی از بین رفتن جنگل اشاره کرد.

چالش آکتور برای تهیه‌کننده

هستی مهدوی، بازیگر سریال آکتور در صفحه مجازی خود از صدور حکم جلب، توقیف اموال و ممنوع‌الخروجی مجید مطلبی، تهیه‌کننده سریال آکتور خبر داد. او پیشتر نیز در شبکه ایکس مجید کریمی، از اعضای جامعه صنفی تهیه‌کنندگان سینما را خطاب قرار داده و نوشته بود که: «آقای مجید کریمی که بر صندلی صنف تهیه‌کنندگان سینما نشسته‌اید، جواب تلفن من رو می‌دهید یا نه؟ طلب من رو از مثلاً آقایون سریال آکتور (مجید مطلبی و محسن زاهد و مهدی بدرلو) می‌گیرید یا نه؟ یک سال گذشت از شکایت من.»

- تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰
نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴
ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
- پيامک:** ۴۵۱۲۱۳۰۰۰۰۰۰۰۰
روابط عمومی: **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- صندوق پستی:** ۵۳۳۸۸-۱۵۸۷۵
- چاپ:** چاپخانه‌های همشهری
- سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷ (۰۲)
- انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۸۸۵۴۸۸۹۲-۵

نقل قول

«صد دانه یاقوت» رادر جبهه سرودم

اول تیرماه مصادف با زادروز رحماندوست، شاعر صد دانه یاقوت است که در آستانه ۷۴ سالگی قرار گرفته است. او شاعری است که بیش از سه نسل از کودکان و نوجوانان ایران‌زمین با اشعارش خاطره دارند. شعر «صد دانه یاقوت» یکی از شعرهایی است که در خاطره جمعی ما نقش بسته و مصطفی رحماندوست را بیشتر با این شعری می‌شناسند. وی «صد دانه یاقوت» را شعر جبهه خواننده و درباره سرودن آن گفته است: در اوایل جنگ که هنوز سپاه تشکیل نشده بود عضو گروه‌های نامنظم شهید چمران شدم. در یکی از عملیات‌ها جایی گیر کردیم و بی‌سیم زدند که در دیدرس دشمن هستیم و نباید تکان بخورید. این سکوت بیش از ۳۰ ساعت طول کشید. گرسنه و تشنه بودیم و وضعیت بدی داشتیم و وقتی از دیدرس دشمن خارج شدیم حتی توان برگشتن نداشتیم به همین دلیل برایمان آب، نان و ماست چکیده فرستادند تا رمق پیدا کنیم و وقتی جعبه نان و ماست را باز کردند چند انار هم بود. همه شروع به خوردن نان و ماست کردند و من که خواستم بادب باشم به سراغ انارها رفتم و یک انار را که باز کردم و دانه‌هایش بیرون آمد یاد گردنبد مرحوم مادرم افتادم که یاقوت داشت و یا خود گفتم «وای چقدر یاقوت، و این مقدمه‌ای برای سرودن شعر «صد دانه یاقوت» شد. همان‌جا گفتم: صد دانه یاقوت، دسته به دسته با نظم و ترتیب یکجا نشسته» همان‌روز این شعر را نوشتم و فرستادم تهران که در مجله «کیهان‌بچه‌ها» چاپ شد.

بازنشر گفت‌وگویی از مصطفی رحماندوست در ایسنا

یادداشت

ادبیات در مرز رسانه و هنر

پاسخ‌به این پرسش که آیا ادبیات یکی از رسانه‌های جهان بشری بوده و هنوز هم این ویژگی‌ها را دارد، در عصر حاضر، محل نزاع میان اهل ادبیات و فلسفه و نقد و علوم اجتماعی و ارتباطی بوده است.

در گام اول می‌توانیم بر اساس آنچه معیار و ویژگی و تعریف رسانه برمی‌شماریم ادبیات را نیز در همان الگو و متر و معیار اندازه‌گیری کنیم و رسانه بودگی ادبیات را بسنجیم.

رسانه‌ها واسطه اطلاع‌رسانی و آموزش و پرکردن اوقات فراغت و ابزار ایجاد ارتباط در سطح وسیع‌اند. همیشه یک طرف ماجرا بوده‌اند و از دستاوردهای فرهنگ بشری محسوب می‌شوند. می‌توانیم فهرستی از ویژگی‌های رسانه را ردیف کنیم و آنچه را رسانه است شناسایی کنیم. از منظری دیگر می‌توانیم نظریه‌های ارتباطی را به رسانه‌ها الصاق کنیم و خوانش‌های سیاسی و روانکاوانه و تاریخی و اسطوره‌ای از رسانه ارائه کنیم و ادبیات را نیز از همین پنجره نگاه کنیم و شباهت‌ها و تفاوت‌ها را قیاس کنیم. از هر کدام از این روش‌ها که پیش برویم می‌توانیم میزان رسانه بودگی ادبیات را بسنجیم. اما آیا صرفاً ادبیات را یک مدیوم انگاشتن تخفیف و تنزل ادبیات نیست؟ آیا با این کار، ادبیات را در ورطه روزمرگی‌ها و مسائل فراموش شونده فرو برنده‌ایم؟ (البته این را با ادبیات ژورنالیستی که اصطلاحی رایج است نباید خلط کرد، زیرا ژورنالیسم ادبی متضمن ویژگی‌هایی است که یک اثر ادبی و گاهی سینمایی را در نوعی از ژانر قرار می‌دهد که در روزگار ما بسیار تکرار شده است و به قصد روایت آنچه در زندگی روزمره می‌گذرد نوشته و تولید می‌شود.)

من به یک دلیل مهم که در دل خود دلایل زیادی را نهفته دارم، نمی‌توانم ادبیات را صرفاً یک رسانه و مدیوم بدانم. هر چند ویژگی‌های پرشماره‌ای از رسانه با من ادبی می‌تواند شباهت‌های زیادی داشته باشد اما آنچه اثر ادبی را از نوع رسانه‌های متمایز می‌کند روایت زیبایی‌شناسانه از جهان هستی است و این مسأله رسانه را کاملاً از ادبیات جدا می‌کند. روزنامه‌ها در آغاز کار و در دوران اوج خود در



ما در تاریخ

هر آنچه از

دوره‌های

مختلف

می‌دانیم یا

امروز هر آنچه

از فرهنگ‌ها

می‌شناسیم

بر دوش

پلند ادبیات

ایستاده‌ایم



بهترین و زیباترین چیزهای جهان را نمی‌توان دید یا حتی لمس کرد.

آنها را باید با قلب احساس کرد.

هلن کلر

تجسم

واقعیّت رئالیسم

خبری خواندم از یک نمایشگاه نقاشی با این توضیح: «نقاشی‌های رئالیسم استاد... و شاگردان». عکس‌های نمایشگاه را دیدم. مجموعه‌ای از سیاه‌قلم‌های تقریباً ناشیانه از پرتره چند خواننده، بازیگر، ورزشکار و چند تابلوی ببر و گل و اسب و نوزاد و... که از روی عکس‌های اینترننتی دیگران - و اغلب مشهور. کپی شده بود. آثاری که حداکثر می‌توانستند تمرین‌های ابتدایی و غیرخلاقه در درس طراحی باشند. حسب احترام به آموزش و ارزش زمانی که هنرجویان صرف آموزش می‌کنند، پیامی برای این به اصطلاح استاد گذاشتم با این مضمون که: «این آثار در حوزه سبک‌شناسی نقاشی زیر عنوان رئالیسم دسته‌بندی نمی‌شوند. در اصل به هر شباهتی در نقاشی نباید گفت واقعگرایی و رئالیسم.» حتی عکس که نماد بی‌نقص‌ترین شباهت شمرده می‌شود، همیشه اثری رئالیسم تولید نمی‌کند. متأسفانه تعدادی از شاگردان استاد هجوم آوردند و مرا متهم به بی‌سوادی و توصیه به سکوت کردند. گذشته از ادبیات نامناسب ایشان و موضوع رفتاری و اخلاقی چنین برخوردهایی، آنچه مهم می‌نماید رابطه سرسپردگی افراطی بین شاگرد و استاد است که علاوه بر بی‌اطلاعی، موجب چنین تعصبی می‌شود. آن قدر که پیش از هر پاسخ‌تندی، با اطمینانی بی‌دلیل و متوهمانه، حتی از یک گویگل ساده در اینترنت هم خود را بی‌نیاز می‌دانند. این نمونه‌ای است از صداها مورد مشابه. موضوعی که هم نظام آموزش را زیر سؤال می‌برد و هم موجب وهن هنر، ائتلاف وقت و ذوق هنرجویان و البته ابتذال و تنزل سواد بصری مخاطب عام می‌شود. بدیهی است که هر کس مجاز است به گاری که دوست دارد بپردازد بی‌اینکه نیاز به تأیید متخصصین داشته باشد. اما این آزادی به این معنی نخواهد بود که هر کس می‌مجاز است کار و اثرش را چیزی معرفی کند که واقعاً نیست. خصوصاً با عناوین گمراه‌کننده‌ای مثل استاد یا هنرمند و... که جایگاه معتبری برای مخاطب فرض می‌شود.

برخلاف آنچه بدیهی به نظر می‌رسد، شباهت در آثار هنری مفهوم ساده‌ای نیست. خصوصاً شیوه هنری واقع‌گرایی را نباید یک انتخاب تاریخی و اولیه برای خلق اثر هنری محسوب کرد. علاوه بر هنرمندان واقع‌گرا، هنرمندان برخی سبک‌های مختلف نقاشی، مدعی انواعی از شباهت در نقاشی هستند. در این بین آنچه مورد اختلاف است، معنای این واقعیت، بازسازی و شباهت است. به عنوان مثال حتی در آثار گروهی از نقاش‌های شیوه «کوبیسم» که عمدتاً با نام «پابلو پیکاسو» شناخته می‌شود، تلاشی برای انعکاس واقعیت و خلق شباهت وجود دارد. با این تفاوت که در آثار کوبیسم وجوه مختلف یک شیء در آن واحد در یک سطح دوعبدي دیده می‌شود و از این جهت کوبیسم را باید رئالیسم مفهومی نامید. ناتورالیسم‌ها طبیعت را بازسازی می‌کنند. در حالی که سوررئالیسم‌ها اعتقاد به مساوای واقعیت یا واقعیت برتر دارند و شباهت به واقعیات ذهنی را در آثارشان منعکس می‌کنند. امبرسونیست‌ها واقعیت را معادل لحظه‌های گذرای طبیعت می‌دانند. کلاسیسیسم به دنبال آفرینش ایده‌آل و کمال زیبایی و دلنوازی با الهام از هنر باستانیان و رعایت اصول و قواعد پیشینیان است.



برخلاف آنچه

بدیهی به

نظرمی‌رسد،

شباهت در آثار

هنری مفهوم

ساده‌ای

نیست.

خصوصاً

شیوه هنری

واقع‌گرایی

را نباید یک

انتخاب تاریخی

و اولیه برای

خلق اثر هنری

محسوب کرد



ارگسترسمفونیک تهران به رهبری منوچهرصهیلی، درنخستین اجرای خود درسال ۱۳۰۳ با اجرای ریزنوازی آتاتر بزرگان موسیقی جهان درتالار وحدت روی صحنه رفت. دراین کنسرت قطعاتی از اورتور ایفیرتی در آلیس اثر کریستف ویلیبالد گلوک، کنسرتو برای پیانو و ارگستر نمره ۵ در فا مینور از یوهان سباستین باخ، سمفونی شماره ۹آنتونین دورژاک و... اجرا شد.

عکس:

روابط عمومی بنیاد رودکی



«ایران» رادر صفحه‌های مجازی دنبال کنید